



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af 1515

نواز شریف به غنی:

از همکاری تان در قتل مسیبان حمله بر پیشاور سپاس گزارم

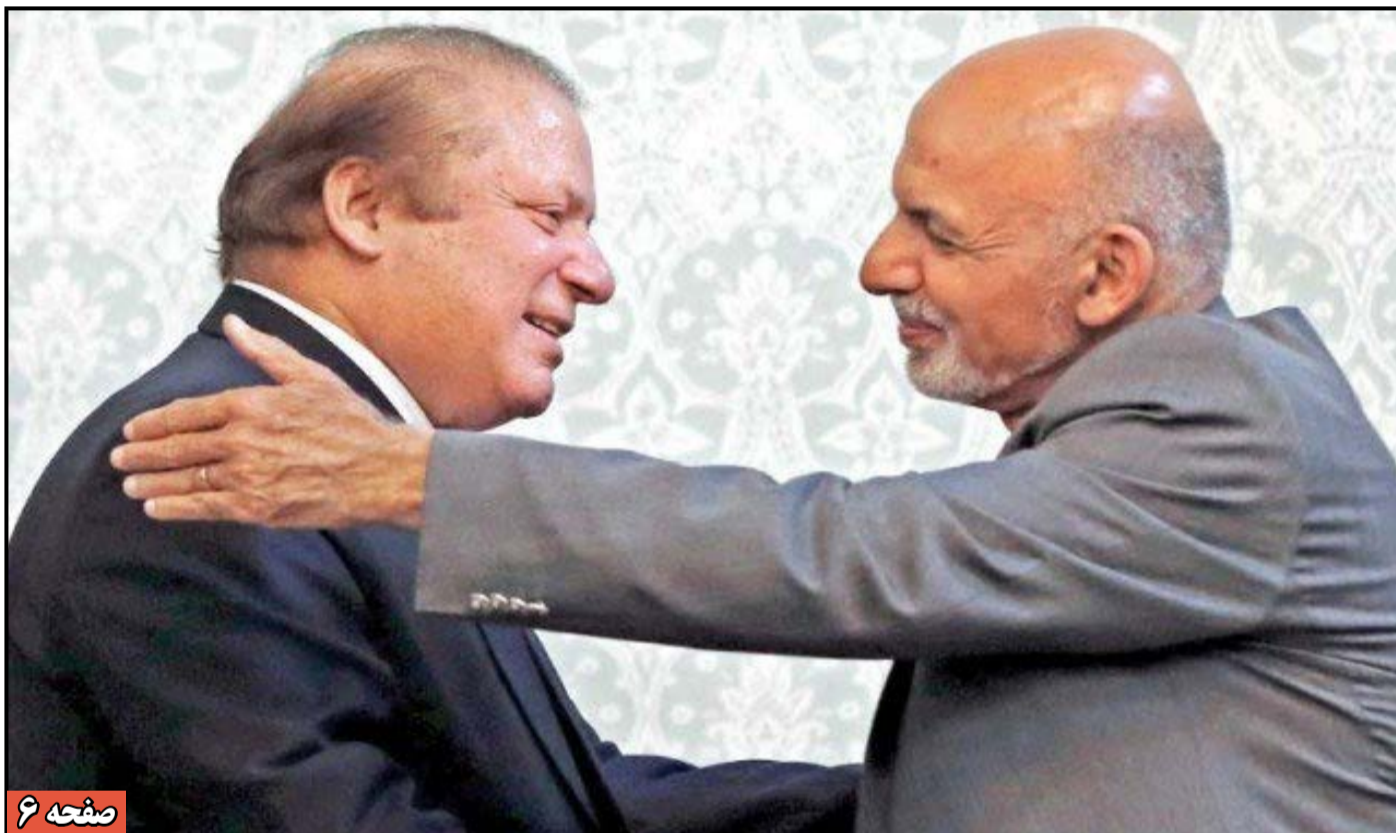


گرفته شده از صفحه فیس بوک احمد ولی مسعود

چه در راه است؟

کسانی که امروز به تروریست بودن طالبان و جنگ پاکستان در افغانستان اعتراف می‌نمایند، چگونه ممکن است که با همه دم و دستگای طویل و عریض استخباراتی طی این همه سال و ۲۰ سال قربانی یک ملت، جدید آگاه شده باشند که گپ از چه قرار است و اعلامیه های پیهم بدهند؟ تا دیده شود باز چه آشی برای مردم ما پخته اند؟

صفحه ۳



صفحه ۶

قوانین رسانه‌یی موشکافی شوند



صفحه ۶

عامل افزایش مواد مخدر در افغانستان، افزایش تقاضای این پدیده در بازارهای جهان است. او گفت که گروه‌های دهشت افکنی که از مواد مخدر به عنوان منبع درآمد استفاده می‌کنند، جرایم سازمان یافته و جنایی را بیشتر مرتکب می‌شوند. به گفته او، دولت افغانستان مصمم است به شکل جدی در برابر این پدیده مبارزه کند

صفحه ۶



معاون دوم ریاست جمهوری:

تروریسم در افغانستان از مواد مخدر تغذیه می کند

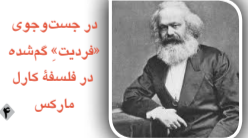
دولت به فرهنگ معافیت ناقضان حقوق کودکان پایان دهد

صفحه ۳

در برگ ها



افشاگری یا حنای پس از عید



در جستجوی «فردیت» کمشده در فلسفه کارل مارکس



مرزهای تفسیری علمی قرآن



دهمین جشنواره بزرگ افغانستانی های مقیم اروپا در شهر کلن برگزار شد

احمد عمران

افشاگری یا حنای پس از عید

سخن ماندگار

به امتیازدهی های یک جانبه به پاکستان پایان دهید

در حالی که حکومت افغانستان شیوه سیاست با پاکستان را ظاهراً تغییر داده است، نواز شریف در یک تماس تلفونی با اشرف غنی از کشته شدن عامل حمله به مکتبی در پاکستان که در سال گذشته اتفاق افتاده بود، قدردانی و ستایش کرد و گفت که افغانستان و پاکستان باید با هم در زمینه مبارزه با تروریسم همکاری کنند. البته این بار نخست نیست که افغانستان همکاری هایی در زمینه مبارزه با تروریسم با پاکستان داشته است. پاکستان سستی یی که در سال های گذشته وجود داشت، اکنون نیز وجود دارد؛ اما در کنار این ستیز، همکاری در مبارزه با تروریسم به نفع پاکستان هم جریان داشته و دارد. کشتن چندین طالب مخالف پاکستان توسط نیروهای امنیتی افغانستان و نیز تسلیم کردن برخی از رهبران مخالف دولت پاکستان به آن کشور و باز کردن پای پاکستان به زندان های امنیتی کشور برای تحقیق از زندانیان پاکستانی، نشان از فرصت دادن زیاد به پاکستان در یک معامله یک جانبه دارد.

بیشترین نرمش و امتیازدهی در روابط افغانستان و پاکستان تا به امروز یک جانبه و از جانب افغانستان بوده است؛ یعنی کاری که پاکستانی ها در قبال افغانستان انجام داده اند، کاملاً خلاف این امتیازدهی ها بوده است. آن ها یک سره از طالبان افغانی و نیروهای مخالف دولت افغانستان حمایت کرده اند. کشته شدن اسامه بن لادن، ملا عمر، ملا منصور و ده ها طالب سرشناس دیگر در پاکستان، همه ادعاهای مقامات پاکستانی مبنی بر مبارزه مشترک با تروریسم را دروغ ثابت کرده است.

این روزها به رغم آن که پاکستان فشارهای زیادی را از جامعه جهانی به ویژه امریکا در ارتباط با تروریسم و قضیه افغانستان دریافت نموده و نیز در همین ارتباط، موضع گیری قاطع تری را از رهبران دولت افغانستان مشاهده کرده، اما در برابر، یک گام هم در راستای مبارزه با تروریسم و طالبان برنداشته است. سخنان شکوه آمیز رهبران دولت و وحدت ملی افغانستان در وارسا و در نشست ناتو در برابر پاکستان، فقط سبب شد که پاکستانی ها فشار بر مهاجران مان در آن کشور را افزایش دهند و هر روز مشکلی را بر مشکلات فراوان آن بیچاره ها بیفزایند. در چنین حالتی، امتیازدهی یک طرفه و بیش از حد ما به پاکستان، این کشور را به ادامه راه حمایت از تروریسم و ضربه زدن بر نظام افغانستان تشویق می سازد.

رهبران افغانستان طی این سال ها، با پاکستان روابطی بی نهایت مبهم و پیچیده داشته اند و این وضع سبب شده که مردم ما میان دوستی و خصومت با دولت مردان پاکستانی سرگردان شوند. حال آن که اقدام به گشایش بندر چابهار به کمک هند و نیز بهره برداری از بند دوستی افغانستان - هندوستان در هرات، حساسیت و دشمنی پاکستان نسبت به افغانستان را دوچندان کرده که نباید از این وضع غافل ماند. همچنین باید دانست که موضع گیری امریکا و به تبعیت از آن، موضع گیری آقای غنی در برابر پاکستان، نشان داد که امکان باز شدن یک جبهه جدید و مستحکم در برابر پاکستان مساعد شده و دولت افغانستان می تواند با تقویت این وضع، این کشور را به صداقت در مبارزه با تروریسم وادارد.

حالا فرصت آن است که پاکستان نیز به سان دولت وحدت ملی، به از بین بردن گروه های دهشت افکن مخالف افغانستان اقدام کند و بعد از این به اثبات برساند که می تواند دوست خوبی برای افغانستان باشد. مسوولان دولت افغانستان نیز باید کردار و گفتارشان را در برابر پاکستان یکی سازند. این سیاست سبب می شود که پاکستان از استراتژی سلطه جویانه در افغانستان دست بردارد و به همسایه گی مسالمت آمیز بسنده کند.



دولت مردان ما همواره در محاسبه زمان دچار اشتباه می شوند. این مسأله در مورد همه مقام های کشور صدق می کند که به محض کنار رفتن از قدرت و یا مدتی پس از آن، دست به افشاگری می زنند. یکی از بدترین فرهنگ های موجود کشور در افغانستان این است که دولت مردان فقط زمانی لب به سخن می گشایند و سروصدا ایجاد می کنند که یا دیگر در قدرت نیستند و یا این که حرف های شان دیگر آن اعتبار و منزلتی را که می توانست پیش از کنار رفتن آن ها داشته باشد، از دست داده است

ابزار دست شان عمل کرده اند، بدون شک آگاهی هایی دارند که کمتر سازمان و نهاد دیگری می تواند به آن ها دست پیدا کند. اسناد آقای نبیل زمانی می توانستند کارایی خود را ثابت کنند که ایشان هنوز در رأس نهاد امنیت ملی کشور می بود و این همه سروصدا جهانی هم در مورد مداخلات پاکستان وجود نمی داشت.

دولت مردان ما همواره در محاسبه زمان دچار اشتباه می شوند. این مسأله در مورد همه مقام های کشور صدق می کند که به محض کنار رفتن از قدرت و یا مدتی پس از آن، دست به افشاگری می زنند. یکی از بدترین فرهنگ های موجود کشور در افغانستان این است که دولت مردان فقط زمانی لب به سخن می گشایند و سروصدا ایجاد می کنند که یا دیگر در قدرت نیستند و یا این که حرف های شان دیگر آن اعتبار و منزلتی را که می توانست پیش از کنار رفتن آن ها داشته باشد، از دست داده است.

شاید در مورد مقام های امنیتی، همواره لب به سخن باز کردن و رازها را برملا کردن درست نباشد و منافع ملی کشور تقاضا نکند که آن ها دست به چنین افشاگری های پیش از وقت بزنند، ولی باید به این نکته نیز توجه داشت که چه چیزی در چه زمانی واقعاً منافع ملی کشور را می تواند تأمین کند. به همین دلیل هم دیدیم که اسناد افشا شده از سوی آقای نبیل، چندان واکنش برانگیز هم نشد و توجه های زیادی را به خود معطوف نکرد.

اگر آقای نبیل در زمان ریاست خود دست به افشای این گونه اسناد - حالا به هر شیوه و طریقه یی که لازم بود - می زدند، بدون تردید می توانست تأثیرهای زیادی را بر وضعیت بگذارد. دولت مردان کشور باید از این گونه حرکت ها درس بگیرند و قبل از آن که واقعاً دیر شود، کاری انجام دهند.

معینی، اسناد امنیتی خود را برای قضاوت مردم به نشر می سپارند؛ زیرا می دانند که دیگر آن اسناد خطر به شمار نمی روند. اسنادی را که آقای نبیل نیز به نشر سپرده، از همین نوع باید به حساب آورد. این اسناد با همه اعتبار و ویژه گی خود، دیگر چندان مورد توجه قرار ندارند. آقای نبیل در زمانی دست به نشر این اسناد زد که پیش از آن، کانگرس امریکا در مورد خطر تروریسم از جانب پاکستان به دولت مردان این کشور هشدار داده بود و پیشتر از آن، در سفر دو تن از اعضای کانگرس امریکا به منطقه، به صورت واضح از مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان پرده برداشته شده بود و تقریباً جهان به اجماع عمومی در مورد نقش زیان بار پاکستان در حمایت از گروه های تروریستی رسیده بود.

اسناد آقای نبیل بیشتر به حنای پس از عید شبیه است. از سوی دیگر، وقتی چنین اسناد بااهمیتی در اختیار یکی از رؤسای امنیت ملی کشور قرار گرفته باشد، پس در مورد این که سازمان ها و نهادهای استخباراتی کشورهای قدرتمند چه اسناد مهم و معتبری را در اختیار دارند، نمی توان شک کرد. امریکا با توجه به نفوذ و امکانات خود در درون کشورها و به ویژه کشورهایی مثل پاکستان که سال های سال به عنوان

مردم افغانستان ضرب المثلی دارند که می گوید «دیر آید درست آید». اما همیشه دیر آمدن با درست آمدن یکی نیست. گاهی وقت ها واقعاً بعضی چیزها دیر می شوند. اسنادی را نیز که اخیراً آقای رحمت الله نبیل رییس پیشین امنیت ملی در مورد حمایت های بی دریغ ای اس آی از گروه های تروریست و شورشی نشر کرد، هر چند اسنادی معتبر و قابل توجه اند، ولی به نظر می رسد که در نشر آن ها تأخیر صورت گرفته است.

آقای نبیل واقعاً اسناد مهمی در اختیار داشته و شاید تا به امروز هیچ نهاد و فرد سیاسی و امنیتی در افغانستان جرأت نکرده است که در این حد، اسناد معتبر و مهمی را در مورد مداخلات پاکستان در امور داخلی یک کشور دیگر به نشر بسپارد؛ ولی جای افسوس وقتی دارد که این اسناد در زمان لازم خود در اختیار مردم افغانستان قرار نگرفته اند.

شاید آقای نبیل در زمان تصدی ریاست امنیت ملی، این اسناد را به برخی متحدان بین المللی افغانستان شریک کرده باشد، ولی تا به امروز در مورد آن برای مردم چیزی نگفته بود.

زمان در مورد اسناد تاریخی و به ویژه این که صبغه استخباراتی داشته باشند، با بی رحمی برخورد می کند. بسیاری سازمان ها و نهادهای امنیتی کشورهای قدرتمند، ظرف مدت

رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان:

دولت به فرهنگ معافیت ناقضان حقوق کودکان پایان دهد

ابوبکر صدیق

بد امنی، منازعه و فرهنگ معافیت در کشور به ازدواج‌های اجباری، بد دادن و فروش کودکان کمک کرده است.

سیما سمر رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان دپروز یکشنبه (۲۷ سرطان) در یک گردهمایی تحت عنوان «جلوگیری از ازدواج اطفال در افغانستان» با بیان این که کودکان در افغانستان از جمله آسیب‌پذیرترین افراد هستند، گفت: در جامعه افغانستان بیشترین حقوق کودکان در خانواده‌ها نقض می‌شود؛ دختران را در سن خورد به ازدواج اجباری در می‌آورند و تخطی از حقوق انسانی کودکان به یک فرهنگ تبدیل شده است. بانو سمر افزود: تشکیل خانواده یک حق مسلم است؛ اما بیشتر اعمال در افغانستان اجباری صورت می‌گیرد و فرهنگ تحقیر در خانواده‌ها برای کودکان به میراث گذاشته می‌شود، چون وقتی که مادر در خانواده مورد تحقیر قرار می‌گیرد و از برخی امکانات معیشتی محروم می‌شود، دختر آن خانواده وقتی شوهر می‌گیرد، به این فکر است که تحقیر جز مسوولیت اوست.

به گفته رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان، تمام کنوانسیون‌هایی که دولت افغانستان به آن ملحق است، طرفدار منع ازدواج اجباری و خشونت در برابر دختران و تمام کودکان هستند، چون ازدواج اجباری برای خانواده‌ها چالش آفرین است.

بانو سیما سمر گفت: در سال ۱۳۹۲، ۲۲۶ قضیه ازدواج اجباری ثبت شده بود، در سال ۹۳ این آمار به ۲۲۵ رسید و در سال ۹۴ نیز ۲۳۵ قضیه ازدواج اجباری به ثبت رسیده است.

بانو سمر تصریح کرد: بیشتر قضایا به اساس باور برخی از خانواده‌ها در خفا باقی می‌ماند و به دادخواهی



نمی‌رسند.

او افزود وقتی برخی از این قضایا به دادخواهی می‌رسند، عاملان قضیه مجازات نمی‌شوند، قضیه سحر گل و صدها قضیه دیگر نمونه‌هایی از این دست اند. سحر گل دختری بود که برادرش در بدخشان او را به فروش رسانیده بود. اما ملایی که او را به نکاح درآورد بود و برادرش که او را به فروش رسانیده بود، مجازات نشدند.

به گفته او، در افغانستان کودکانی که در کودکی به ازدواج اجباری درآورده می‌شوند، از آموزش و پرورش بازمانده، از سلامتی روانی و فیزیکی محروم می‌شوند. او افزود: عامل دیگر ازدواج‌های اجباری در افغانستان، عنعنات حاکم و ناپسند در جامعه، منازعه و بدامنی است که نقش عمده در ایجاد زمینه بد دادن و ازدواج‌های اجباری دارد.

بانو سمر اضافه کرد: فقر اقتصادی و عدم حاکمیت

قانون باعث می‌شود که برخی از خانواده‌ها کودکان‌شان را به فروش برسانند و یا در سن خورد به ازدواج درآورند. او قانون فعلی منع خشونت در برابر کودکان را تبعیض آمیز تلقی کرده افزود: باید این قانون بازنگری و تعدیل شود، چون سن ازدواج دختران در آن ۱۶ ذکر شده و سن قانونی ازدواج پسران ۱۸ که نشان دهنده تبعیض می‌باشد.

به گفته رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان، افزایش ازدواج‌های اجباری و افزایش کودکان باعث افزایش فقر در افغانستان شده است.

بانو سمر با بیان این که برخی منسوبان پولیس، عملاً در محفل ازدواج کودکان شرکت می‌کنند و هیچ واکنش نشان نمی‌دهند، گفت: کمیسیون حقوق بشر تأکید می‌کند که وزارت‌خانه‌ها مکلف‌اند در امر آگاهی‌دهی برای مردم و دادخواهی در امر مبارزه منع خشونت در برابر ازدواج‌های اجباری و خشونت با کودکان سهیم شوند.

بانو سمر ادامه داد: دولت افغانستان و مجریان قانون به فرهنگ معافیت ناقضان حقوق کودکان پایان دهند، چون بیشتر قضایای نقض حقوق کودکان به اساس فرهنگ‌های ناپسند و در حالت بی‌خبری از قانون صورت می‌گیرد.

در همین حال، دفتر ارگ ریاست جمهوری با انتشار خبرنامه‌یی گفته است در نشست کابینه که به ریاست محمد اشرف غنی رئیس جمهوری کشور در ارگ دایر شد، روز پانزدهم ماه مبارک رمضان را به نام روز حمایت از کودکان آسیب‌پذیر، یتیم و بی‌سرپرست مورد تصویب قرار گرفت.

در خبرنامه آمده است که در این نشست وزرای کار، امور اجتماعی شهدا و معلولین، مالیه و عدلیه را موظف شدند تا جهات قانونی ایجاد صندوق اعانه برای اطفال یتیم و بی سرپرست طرح کند ایجاد و به جلسات بعدی ارایه دهند.

در خبرنامه گفته می‌شود که کابینه دولت افغانستان به وزارت امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی دستور داده تا شبکه‌های قاچاق انسان را جدی تحت کنترل قرار داده و با آنان برخورد قانونی کنند.

کابینه هم‌چنان، وزارت داخله را توظیف کرد تا در مربوطات آن وزارت، از سوء استفاده کودکان جلوگیری کرده و با متخلفان برخورد جدی کند.

جنرال دنفورد افغانستان امنیتی او دفاعی خواکونو ورتیا ستایلی

خواکونو ملاتر ته دوام ورکری او ژمنه ده چې دا خواکونه په هر اړخیز ډول پیاوړي او سمبال کړي. خو ورځې وړاندې د امریکا دفاع وزیر اشتون کارتر له افغانستان نه د لیدنې پرمهال ویلي و چې کابل ته د راتگ هدف یې دا دی چې افغانستان کې د امریکایي او ناټو خواکونو عمومي قومندان جنرال جان نپکلسن ته ته ډېر واکونه ورکړي.

د افغانستان د سیمه ییزو رسنیو د راپورونو له مخې، د ناټو چارواکو ویلي چې افغانستان کې د امریکایي خواکونو شمېرو ډېروالي ته په کتو، د نړیوالو خواکونو هوایي بریدونه به هم ډېر شي.

په دې وروستیو کې د امریکا ولسمشر بارک اوباما اعلان وکړ چې افغانستان کې مېشتو امریکایي سرتېرو واکونه یې ډېر کړي ترڅو د طالبانو او د افغانستان دولت نورو مخالفینو پروپاندې جگړه کې گډون وکړي.

په دغو راپورونو کې د ښاغلي نپکلسن له قوله ویل شوي چې تردې وړاندې نړیوالو خواکونو تر هغه پر هغوی هوایي بریدونه نه کول چې هغوی ته گواښ نه گڼل کېدل.



جلسه نزدیک به دو ساعت ادامه میابد - نماز عصر در نزدیکی‌های شام با جماعت ادا می‌گردد. پس از ادا نماز، بلافاصله امر صاحب می‌گوید خوبست من به کابل بر می‌گردم تا فردا لست علما را آماده بسازیم، شما هم لست تان را آماده سازید تا علمای دو طرف باهم بنشینند و خدا بخواهد توافق صورت گیرد. خدا حافظی می‌کند و می‌گوید فردا منتظر احوال شما می‌مانیم.

موقع برگشت به کابل همینکه به سیت موتر می‌نشیند، امر صاحب به همراهان می‌گوید، خوب شد که اشتباه نکردیم، اینان اصلاً اراده و اداره خود را ندارند و از جایی دیگری دستور می‌گیرند، فقط به خاطر جنگ ساخته شده اند و تا آخر هم خواهند جنگید. اما به خاطر قول و توافقی که کرده بود، در کابل آماده گی ایجاد شورای علمای مذاکره کننده را می‌گیرد. در جریان آماده‌گی‌های صلح دولت، طالبان حملات نظامی خود را در لوگر آغاز می‌نمایند.

کسانی که امروز به تروریست بودن طالبان و جنگ پاکستان در افغانستان اعتراف می‌نمایند، چگونه ممکن است که با همه دم و دستگاهای طویل و عریض استخباراتی طی این همه سال‌ها و ۲۰ سال قربانی یک ملت، جدیداً آگاه شده باشند که گپ از چه قرار است و اعلامیه‌های پیهم بدهند؟ تا دیده شود باز چه آشی برای مردم ما پخته اند؟

این تغییر ۱۸۰ درجه، تاکتیکی و در چارچوب بازی‌های کلان دیگران است یا در قالب منافع و استراتژی ملی افغانستان؟ خدا کند چنین باشد.

چه در راه است؟



حالا چرا؟ چه شد که به یگبارگی به جنگ پاکستان در افغانستان اعتراف می‌نمایند؟ باز چه در راه است؟

نا وقت پس از ظهر بود، امر صاحب شهید قرار توافق به منطقه میان دو طرف خط جنگی مجاهدین و طالبان، بدون در جریان قرار دادن دولت و امنیت، فقط با دو عراده موتر در میدان شهر وردگ می‌رسد و منتظر رسیدن شورای رهبری طالبان می‌ماند. تا اینکه شورا معلومش نمی‌شود، سرانجام امر صاحب یک‌طرفه و در همان دقایق تصمیم پرخطر می‌گیرد و به خاطر مذاکره صلح، یکجا با شمس الرحمن خان لکنخیل و مولوی مسجد وزیر اکبرخان رهسپار مقرر شورای طالبان در حومه میدان شهر می‌شود.

لحظات قبل از ورود به جلسه ۳۰ نفره شورای رهبری طالبان، امر صاحب یک قبضه تفنگچه را از سر احتیاط آماده می‌سازد به پشت کمر پتلون رزمی خود می‌زند، شورای طالبان از این که طبق وعده به محل توافق شده

وی عمیقاً نگاه می‌کنند.

بخش هفتم

علی رها

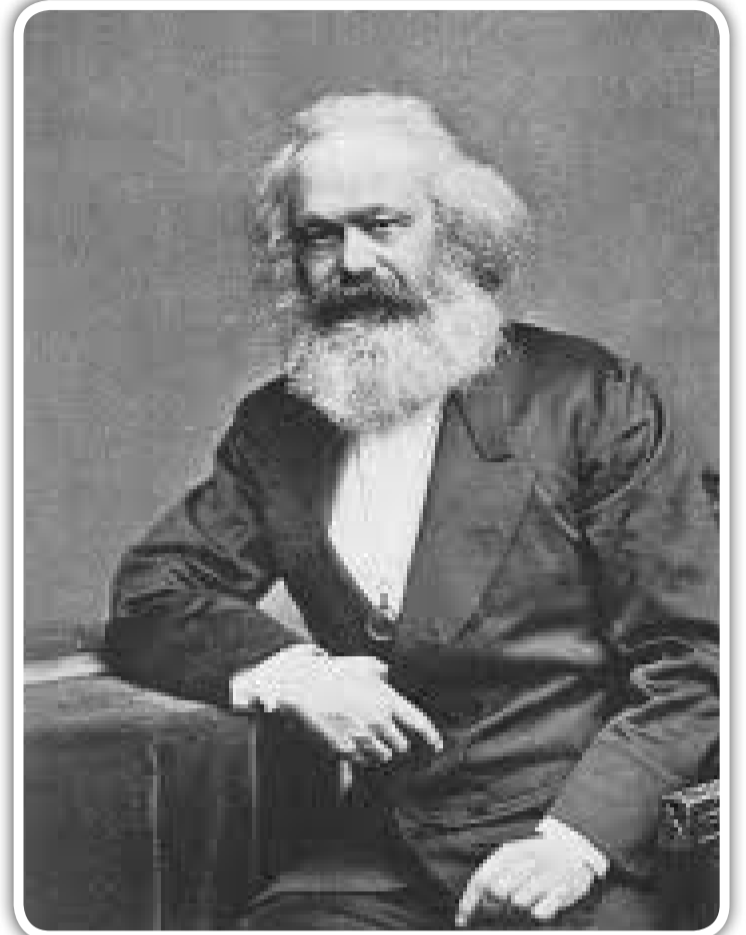
در جستجوی

«فردیت»

گم شده

در فلسفه کارل

مارکس



خواننده‌یی که قصد دنبال کردن من را دارد، می‌باید راه خود را از خاص به عام باز کند.

این‌که مارکس تا چه حد به آن «طرح کلی» که ۶ مبحث جامع را شامل می‌گشت وفادار ماند، در توان گفتمان حاضر نیست. قدر مسلم این‌که کلیه آن مباحث در صورت‌بندی ۳ جلد «سرمایه» و نیز «تاریخ تیوری» به نوعی منظور و ترکیب شده‌اند. به هر حال چه «گروندریسه» را به عنوان «پیش‌نویس اول» کتاب «سرمایه» استنباط کنیم و چه «سهمی بر نقد اقتصاد سیاسی» را «متن اولیه» آن بدانیم، مارکس بین سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۶ سه پیش‌نویس دیگر را به قلم می‌کشد که تازه طی سه دهه اخیر برای اولین بار به چاپ رسیده‌اند. این ۳ پیش‌نویس شامل دست‌نوشته‌های ۱۸۶۱-۶۳، ۱۸۶۳-۶۵ و ۱۸۶۶ می‌گردند. به هر تقدیر، مارکس اولین جلد «سرمایه» را در ۱۸۶۷ منتشر ساخت. اما تا آخر عمر (۱۸۸۳) مشغول تصحیح، تدقیق و تکمیل کل «سرمایه» بود. شاید بیماری‌های متعدد، فعالیت‌های نظری و عملی در تأسیس «بین‌الملل اول»، به‌ویژه در چین و پس از «کمون پاریس» (۱۸۷۱)، تاحدی به وی فهمانده بود که ممکن است عمر کوتاهش امکان انتشار جلد‌های بعدی «سرمایه» را ندهد. با این حال، مارکس تا آخرین لحظات زندگی دست از پژوهش و نگارش نکشید و تا جای ممکن بسیاری از ملاحظاتی را در تغییرات متعدد همان جلد اول وارد می‌کرد.

باید تأکید کرد که مارکس پیش‌نویس‌های «سرمایه» را کاملاً برعکس طرح نهایی انتشار آن نوشته بود. یعنی ابتدا «تاریخ تیوری» (موسوم به «تیوری‌های ارزش اضافی»)، سپس مضامین جلد‌های سوم و دوم (با قدری پس و پیش) و در آخر پیش‌نویس جلد اول را به نگارش درآورده بود. (نگاه کنید به نامه مارکس به زیگموند شوت، ۳ نوامبر ۱۹۷۷، کلیات آثار ۴۵، ص ۲۸۶)

بنابراین مارکس نه فقط بر ساختمان‌بندی کل «سرمایه» وقوف کامل داشت، بلکه با عبور از چنین فرایندی بود که جلد اول را نوشت. حتی در بررسی جلد اول نیز باید خاطر نشان کرد که وی فصل اول را

مارکس در عین شروع از این «نقطه آغاز» به عنوان پیشنهادی اساسی، بر این باور است که «تکامل دایمی توان‌مندی‌های بارآور فردی» هم ابتدا و هم انتهاست؛ لذا لزوم فراروی از آن نقطه شروع است؛ چرا که تلاش برای تحقق بخشیدن به این پیشنهاد ضروری، خود مؤید آن است که افراد کماکان در کشاکش ایجاد شرایط زیست اجتماعی خویش‌اند، ولی هنوز زنده‌گی کردن بر شالوده چنین شرایطی را آغاز نکرده‌اند.

در حقیقت در چشم‌انداز مارکس، «مقصد» یا «پایانی» در کار نیست. برای همین در «گروندریسه» اعلام می‌کند که «تکامل کلیه توان‌مندی‌های انسانی، به خودی خود پایانی در خویش است که با معیارهایی از پیش معین‌شده قابل سنجش نیست». این قلمروی کاملاً نوین است که در آن انسان برای «آن‌چه شده است تکاپو نمی‌کند، بلکه در حال حرکت مطلق شدن است.» (ص ۴۸۸)

۵- کلام آخر: از «گروندریسه» تا «سرمایه» (۱۸۸۳ - ۱۸۶۱)

مارکس «گروندریسه» را منتشر نکرد. آن‌چه یک سال بعد (۱۸۵۹) زیر عنوان «سهمی بر نقد اقتصاد سیاسی» در فصولی جداگانه به چاپ رسید، به همراه یک مقدمه جدید، شامل ۳ فصل «کالا»، «پول» و «سرمایه» بود. اما یکم، باید خاطر نشان کرد که مارکس تنها دو فصل اول آن را منتشر ساخت؛ دوم این‌که از کل «گروندریسه» فقط فصل فشرده و بازنویسی‌شده «پول» را بازتولید نمود؛ و سوم و از همه مهم‌تر این‌که این‌بار ارایه نقد اقتصاد سیاسی را با «کالا» آغاز نمود.

همان‌طور که خود وی در مقدمه این اثر اظهار می‌دارد «من نظام اقتصاد بورژوازی را به ترتیب زیر مورد بررسی قرار می‌دهم: سرمایه، مالکیت بر زمین، کار دست‌مزدی، دولت، تجارت خارجی، بازار جهانی.» سپس ادامه می‌دهد که «متن کلی این طرح هم‌اکنون در اختیار من است، اما به صورت دست‌نویس‌هایی که برای انتشار نگاشته نشده بودند.» زیرا «ملاحظات بعدی به من نشان داد که پیش‌بینی نتایجی که هنوز می‌باید به اثبات برسند قابل ایراد است، و

بخش نخست

تعریف توفان ذهنی، کاربرد و اهداف آن

توفان ذهنی روشی است جهت پیدا کردن راه‌حل به‌صورت گروهی، که در آن تمام اعضای یک گروه به‌طور هم‌زمان در یک جلسه ایده‌هایی را ارایه می‌دهند.

به بیانی دیگر، توفان ذهنی اقدامی است گروهی برای حل یک مشکل از طریق ایجاد سریع راه‌حل‌های متعدد و ممکن جهت انتخاب راه‌حل مناسب‌تر.

کاربرد و اهداف توفان ذهنی

- ۱) توان‌مندسازی نیروی انسانی و آموزش
- ۲) اولویت‌بندی مسایل و مشکلات (افزایش تولید، کاهش هزینه‌ها، افزایش کیفیت، انگیزه، فروش و ...)
- ۳) انتخاب بهترین راه‌حل
- ۴) افزایش قدرت ابتکار و خلاقیت در نیروی انسانی
- ۵) افزایش انگیزه در کارکنان
- ۶) ایجاد کار تیمی و مدیریت مشارکتی
- ۷) به‌دست آوردن ایده‌های بزرگ

قانون ذهن متفکر گروهی و نحوه عملکرد آن

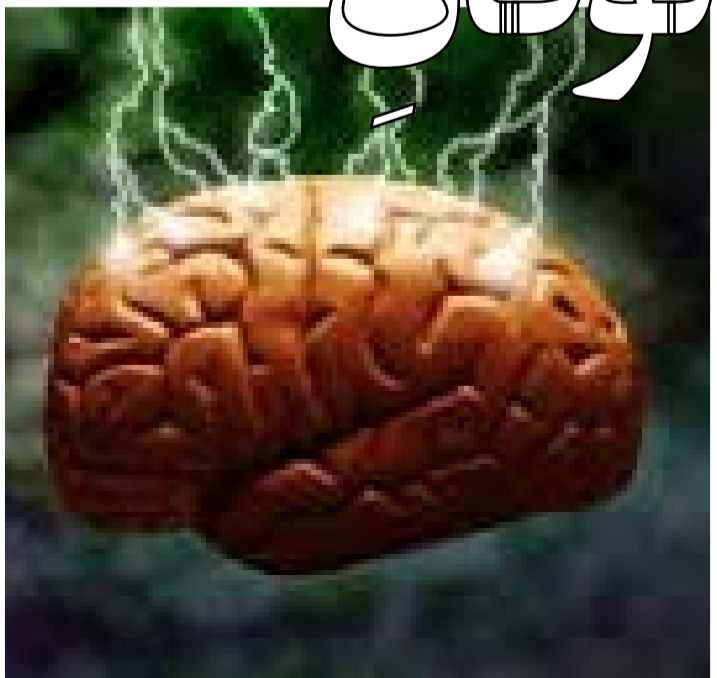
- ذهن متفکر گروهی چیست؟
- ذهن متفکر گروهی گنجینه‌یی بی‌شکل و بی‌کرانی است از ارتعاشات ذهنی. دانشمندان ثابت کرده‌اند که حتی کوچک‌ترین ذرات چیزی نیستند جز مجموعه‌یی از ارتعاشات. به این ترتیب:
- ارتعاشات بین ۱۵ تا ۱۵۰۰۰ در ثانیه برای گوش انسان به‌صورت صدا قابل درک است، اما ارتعاشات بالاتر از این حد، قابل شنیدن نیست.
- از ارتعاشات حدود ۱۵۰۰۰۰۰ در ثانیه صورتی از انرژی به‌نام حرارت آغاز می‌شود و ما می‌توانیم آن را با یکی از حواس‌مان درک کنیم.
- نور هم ارتعاش دیگری است که بالاترین آن، نور بنفش است که حدود ۳۰۰۰۰۰۰ در ثانیه است
- بالاتر از این ارتعاشات، ارتعاشات فکری است که غیر قابل رویت است و غیرقابل شنیدن هستند و از ذهنی به ذهن دیگر می‌رسند.
- تیوری حوزه و انتقال
- ارتعاشات رادیو

توفان ذهنی و ضمیر ناخودآگاه

- شرح عملکرد کارخانه تولید فکر
- شرح عملکرد ضمیر خودآگاه
- شرح عملکرد ضمیر ناخودآگاه (حواس پنجگانه)
- شعور نامحدود جهان
- باور اندیشه اقدام دستاورد
- توفان ذهنی چیست؟ تکنیکی است برای ایجاد و ابراز نظرها و ایده‌های متعدد و گوناگون گروهی از افراد مختلف در مورد یک موضوع خاص در حداقل زمان (خلق حداکثر ایده‌ها در حداقل زمان)
- قواعد انجام توفان ذهنی:
- آزادی ذهن و بیان
- تمسخر افراد و ایده‌ها، ممنوع
- انتقاد ممنوع
- پرهیز از خودسانسوری
- ایجاد حداکثر تعداد نظرات ممکن
- اختصار در بیان نظرات و پرهیز از هرگونه شرح و بسط
- نحوه انجام توفان ذهنی

- ۱) ثبت موضوع مورد نظر بر روی تخته و توضیح در مورد آن برای افراد توسط تسهیل‌کننده (بهتر است این موضوع چند روز زودتر به اطلاع افراد برسد).
- ۲) یادآوری قواعد و اصول اجرای کار برای شرکت‌کننده‌گان توسط تسهیل‌کننده
- ۳) ارایه ایده‌ها و نظرات به‌صورت گردشگی: در هر نوبت فقط یک ایده باید بیان گردد و در صورت عدم وجود ایده‌یی با گفتن واژه «بعدی»، نوبت به دیگری واگذار می‌شود.
- ۴) ثبت کلیه ایده‌ها توسط دبیر جلسه
- ۵) اتمام مرحله ثبت عقاید در صورت گفتن کلمه «بعدی» توسط تمام افراد
- ۶) دسته‌بندی و جمع‌بندی نتایج.

توفان فکری



منبع: سایت فلسفه نو

در تاریخ اندیشه‌های فلسفی، هیچ جریانی به میزان پوزیتیویست‌ها در جهت تعیین معیار علمی سعی به خرچ نداده است. سنجش گزاره‌های مابعدالطبیعی دین بر اساس معیار پوزیتیویستی را می‌توان سنجش دین با محک علم دانست. اصل آزمون‌پذیری به صورت عالم - خواه به صورت اثبات‌پذیری باشد و یا ابطال‌پذیری - اصلی‌ترین معیاری است که می‌توان برای مرز نهادن میان علم و غیرعلم وضع کرد. پوزیتیویسم علی‌الاصول سعی دارد تا مرز میان علم و غیرعلم را به لحاظ روش‌شناختی روشن سازد. پوزیتیویسم از این جهت نقبی می‌زند از جهان‌شناسی به روش‌شناسی؛ و نقطه عطفی در تاریخ اندیشه فلسفی غرب به حساب می‌آید. در روزگاری که اندیشه‌های پوزیتیویستی سیطره

علمی انگاشت که خصلت ابطال‌پذیری دارند. پوپر برخلاف ویتگنشتاین که از جنبه‌های ایجابی به علمی بودن گزاره‌ها می‌نگریست، از بُعد سلبی به قضیه نگاه کرد و ابطال‌پذیری را جای‌گزین اصل اثبات‌پذیری نمود. با این‌همه، «تجربه‌گرایی» را - خواه به صورت ایجابی و خواه سلبی - می‌توان وجه مشترک دیدگاه آن‌ها به شمار آورد.

سلطه اندیشه‌های پوزیتیویستی باعث شد تا شماری با اثربرداری از آن، در باب گزاره‌های دینی و متافیزیکی نیز دست به دامان روش‌های علمی بزنند و آخرت را صحنه تحقیق گزاره‌های دینی بشمارند. در این رویکرد، گزاره «خدا عادل است» در دنیا صحنه آزمون ندارد، بلکه صحنه تحقیق‌پذیری آن آخرت است که در



بخش دوم --- عبدالبشیر فکرت بخشی

مرزهای تفهیر علم

که همواره در معرض دگرگونی قرار دارد. از آنجایی که تمامی شرایط لازم برای یک تجربه علمی فراهم نیست، و از سویی هم، عینیت علمی در محدوده تاریخ، زبان، سنت و آموزه‌های اجتماعی سامان می‌یابد و این عوامل نسبی‌اند؛ پس داده‌های علمی نیز قطعیت ندارند و منطقی با امکان ابطال مواجه‌اند.

به‌طور نمونه، علم همواره در پی یافتن آجر اولیه سازنده جهان، منزل‌هایی را فتح کرده است، اما با فتح هر منزلی آگاهی می‌یابد که منازل دیگر و منازل دیگری در پیش رو دارد. این مسأله باعث شده است تا کارل پوپر با توجه به جنبه‌های ناپایدار علم و از مسیری سلبی، به اصل ابطال‌پذیری برسد و گزاره‌هایی را علمی بینگارد که آزمون به منزله ابطال برمی‌دارند. «ادگار مورن» نوشته است:

برای یافتن آجر مقدماتی سازنده جهان، ابتدا تصور شد که مولکول، این واحد پایه‌ی است. پیشرفت ابزارهای مشاهده آشکار کرد که خود مالکول از اتم‌ها ساخته شده است. سپس متوجه شدند که خود اتم یک سیستم بسیار پیچیده از حرکت هسته و الکترون‌ها است. آنگاه ذره به واحد اولیه بدل شد. سپس دریافتند که خود ذره‌ها پدیده‌هایی‌اند که از لحاظ نظری می‌توانند به کوآرک‌ها تقسیم شوند. و در لحظه‌ی که تصور شد به آجر اولیه سازنده جهان ما دست یافته‌اند، این آجر به منزله آجر ناپدید شد. مثال بالا به‌ساده‌گی خصلت صدق مؤقتی گزاره‌های علمی را نمودار می‌کند و نمونه‌هایی از این دست را می‌توان زمینه‌هایی برای طرح قاعده «ابطال‌پذیری» پوپر در نظر آورد. پوپر ابطال‌پذیری را صرفاً به عنوان معیاری برای تمییز علم از غیر علم می‌داند و آن را با معناداری گزاره‌ها مترادف نمی‌بیند. پوپر بر کارناپ که سعی می‌کرد مرز میان علم و مابعدالطبیعه را مرز میان معناداری و بی‌معنایی نشان دهد، ایراد می‌گیرد. از دید او، ابطال‌پذیری تنها معیاری برای علمی بودن یک گزاره است؛ اما گزاره‌های مابعدالطبیعی که ابطال‌ناپذیرند، لزوماً بی‌معنا نیستند. با این وصف، «نظریه ابطال» افزون بر برتری‌های منطقی نسبت به معیار اثبات‌پذیری (ویتگنشتاین) در مقایسه با نگاه پوزیتیویستی، موضع مسامحه‌جویانه‌تر و لیبرال‌تری دارد. معیار ابطال‌پذیری گزاره‌ها، احکام بسیار متنوع‌تری را به حوزه علم راه می‌دهد و هرگز نسبت به متافیزیک موضع خصمانه‌ی ندارد « و آن را چونان نظریه اثبات‌پذیری بی‌معنا نمی‌داند.

با توجه به آنچه که یاددهانی کردیم، سوالی که پیش می‌آید این است: آیا علم با توجه به اصل ابطال‌پذیری پوپر می‌تواند مورد تأیید دین قرار گیرد؟ در صورت آری، آیا می‌توان احکام و گزاره‌هایی را که بعداً بطلان آن‌ها ثابت خواهد شد، با گزاره‌های وحیانی که مدعی صدق پایدار و غیرمؤقتی‌اند، تأیید و تطبیق کرد؟ اگر مسأله تطبیق این گزاره‌ها نباشد، بلکه تفسیر گزاره‌های وحیانی در پرتو علم باشد، آیا ممکن است گزاره‌های ابدی وحی با احکام دگرگون‌شونده علم تفسیر شوند؟ مگر تفسیر وحی با گزاره‌های ابطال‌پذیر، ابدیت وحی را زیر پرسش نخواهد برد؟ این‌ها سوالاتی‌اند که در باب خوانش وحی در پرتو یافته‌های جدید علمی - با تکیه بر اصل ابطال‌پذیری - مطرح‌اند.

تمامی سوالاتی که طرح شد، بر پیش‌فرض ابطال‌پذیری، آن‌هم به منزله وجه عام گزاره‌های علمی استوار است. اصل ابطال‌پذیری برتری‌های زیادی دارد که آن را از نظریه اثبات‌پذیری در باب علم امتیاز

می‌بخشد. با این‌همه، دایره شمول چنین اصلی مورد تأمل است. از دید نویسنده این سطور، اصل ابطال را نمی‌توان چونان وجه عام و استثناپذیر گزاره‌های علمی در نظر گرفت و تمامی گزاره‌های علمی را ابطال‌پذیر تلقی کرد. گزاره‌های علمی را می‌توان به دو دسته ثابت و غیرثابت تقسیم نمود. گزاره‌های ثابت علمی آن‌هایی‌اند که کلی‌تر و ابطال‌ناپذیرند و منطقی امکانی برای ابطال آن‌ها در آینده وجود ندارد. گزاره‌های غیرثابت علمی که بخش کلانی از علم را احتوا می‌کنند، قطعی و ثابت نیستند و هر از گاهی امکان ابطال آن‌ها وجود دارد.

در رابطه با وحی و علم، راه میانه آن است که تنها گزاره‌های ثابت و قطعی علم با وحی تطبیق داده شود و از تفسیر وحی در پرتو گزاره‌های غیرثابت علمی اجتناب صورت گیرد. شمار چشمگیری از عالمان دینی ما، بی‌توجه به ویژگی «ابطال‌پذیری گزاره‌های غیرثابت علمی»، سعی می‌کنند برای هر دست‌آورد علمی شهادی از نصوص، به‌ویژه قرآن نشان دهند. پرواضح است که تمامی گزاره‌های علمی اصیل و متقن نیستند، بلکه امکان ابطال بخش اعظمی از آن‌ها همواره وجود دارد. با این بیان، تطبیق گزاره علمی‌یی که ممکن است در زمان پیش رو وارونه شود، توجیهات درون‌دینی آن را با تردید روبه‌رو می‌سازد. وقتی گزاره علمی که با نص دینی توجیه پذیرفته است ابطال گردد، آن نص توجیه کننده نیز با تردید نادرستی مواجه خواهد شد و این، آسیب کلانی است که دین - از رهگذر زیاده‌روی در تطبیق هر گزاره علمی با آن - با آن مواجه می‌شود.

بنابراین، تنها باید آن گزاره‌های علمی را با دین تطبیق داد، و یا دین را تنها بر اساس آن گزاره‌های علمی تفسیر کرد که ابطال‌پذیر نیستند و یا احتمال ابطال آنها نزدیک به صفر است؛ تا دین از این رهگذر گزند نیابد. مثلاً امروزه نظریه انفجار بزرگ در رابطه با شکلگیری جهان به عنوان یک نظریه علمی مطرح است و بسیاری این نظریه را با آیات قرآنی تطبیق می‌دهند؛ اما متوجه نیستند که نظریه انفجار بزرگ ممکن است در آینده نادرست بدر آید و نادرستی آن این سوال را به‌وجود می‌آورد که گویی نظریه قرآن در این باب نادرست بوده است.

بنابراین، دید من این است که برخی قضایای ثابت علمی مثل بیضوی بودن زمین، شناور بودن کرات در فضا را که منطقی ابطال‌پذیر نیستند، میتوان با شواهدی از قرآن همراه کرد. اما در احکام علمی دیگر که قطعی نیستند، باید جانب احتیاط را رعایت کنیم تا تردیدی بعدها به آموزه‌های علمی دین راه نیابد. آنچه که خطر دگرگونی دین را در پی دگرگونی تفسیرهای علمی آن بیش از پیش تقویت می‌بخشد، یکی انگاشتن دین و تفسیر دین است. هرگاه امکان تفکیک نهایی میان دین و تفسیر دین کاملاً روشن گردد، آنگاه دگرگونی گزاره‌های علمی هیچ آسیبی به اصل دین نخواهد زد، بلکه تنها در محدوده تغییر تفسیر دین - نه دین - شناخته خواهد شد.

تقاطع و توازی تفسیرها

اعجاز علمی قرآن‌کریم برآیند خوانش وحی در پرتو دستاوردهای علم جدید است. پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های بیرون از دین، در ساحت علوم تجربی روی داده است، جنبه‌های بسیار نامشکوف پاره‌یی از گزاره‌های کونی وحی را در معرض دید قرار داده که در گذشته‌ها چندان مورد توجه نبوده‌اند.

به‌طور حتم میتوان مدعی شد که تفسیر گزاره‌های وحیانی با اکتشافات و دستاوردهای سایر دانش‌های بشری بیپایان نیست؛ اما اینکه دایره شمول این رابطه تا کجاست، جای تأمل بسیار دارد. اتفاقات جدید علمی، در بازخوانی بخشی از گزاره‌های علمی وحیانی سهم به‌سزایی داشته است. مثلاً تفسیر انسان امروز از آیه «بَلِّغْ قَادِرِينَ عَلٰی اَنْ يُسَوِّبَ بَنَانَهُ» [قیامت: ۴] ترجمه: آری قادریم که (حتماً خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم؛ متفاوت‌تر از تفسیریست که گذشته‌گان از این آیه داشتند.

آنجا عدالت الهی به‌گونه مجسم و آنچنانی تحقق می‌یابد. در این نگرش، روش‌های علمی ارجحیت می‌یابند و گزاره‌های دینی - بی‌توجه به ماهیت فرائضی آن‌ها - با روش علمی صرف محک زده می‌شود. این نگرش بر پیش‌فرض تعمیم‌پذیری روش‌های علمی، و امکان تسری آن به حوزه‌های دینی استوار است. کاربست روش‌های علمی در باب گزاره‌های دینی، زمانی توجیه نسبی برمی‌داشت که میان نوعیت موضوع و چگونگی روش آن هیچ نوع نسبت و رابطه قابل دیدی برقرار نمی‌بود؛ درحالی‌که امروزه از تعدد روش‌ها سخن گفته می‌شود که هر روشی متناسب با ماهیت موضوع آن در نظر گرفته می‌شود.

۱. اصالت دین

چنان‌که گفته آمدیم، یکی از معیارهای علمی بودن یک گزاره، «ابطال‌پذیری» است. ابطال‌پذیری بدین معناست که هیچ گزاره علمی قطعی و ثابت نیست، بلکه همواره با امکان ابطال روبه‌رو است. در این نگرش، علم جریانی دگرگون‌شونده و سیال دانسته می‌شود

یافتند، گزاره‌های دینی به‌سبب آزمون‌ناپذیری - به منزله اثبات - مهمل و فاقد معنا انگاشته شدند. آزمون‌پذیری به این معنا: افزون بر آن‌که مرزهای علم را مشخص می‌سازد، معیار معناداری گزاره‌ها نیز شمرده می‌شود. ویتگنشتاین که در باب علمی بودن گزاره‌ها بر محک اثبات‌پذیری اعتماد کرده بود، گزاره‌های دینی را به سبب آن‌که ابطال و نقض آن‌ها ممکن نیست، مهمل و بی‌معنا می‌انگاشت. از دید او هیچ یک از دو گزاره متقابل «رستاخیز وجود دارد» و «رستاخیز وجود ندارد» قابل اثبات و ابطال نیستند. با این بیان، «نه انسان مومن در مورد ایمانش به روز حساب دلیل علمی دارد و نه فرد بی‌ایمان در مورد عدم وجود روز حساب دلیل علمی دارد و هیچ‌یک از گزاره‌های فرد مؤمن و فرد بی‌ایمان در اقرار و انکار روز حساب قابل نقض و ابطال نیستند» و لذا هر دو گزاره مزبور مهمل و بی‌معناست. کارل پوپر نیز از مشاهیر پوزیتیویسم است. معیاری که او برای گزاره‌های علمی به‌دست می‌دهد، درست در نقطه مخالف پوزیتیویسم قرار دارد. از دید پوپر، گزاره‌هایی را می‌توان



قوانین رسانه‌ی موشکافی شوند

..... روح‌الله بهزاد

ضرورت تشریح قوانین رسانه‌ی بسیار مبرم و حیاتی است و با توجه به حوزه گسترش رسانه‌ها لازم می‌نماید تا قوانین رسانه‌ی به عنوان منبع مشروعیت رسانه‌ی هرچه بهتر موشکافی شوند. بخشی از پیام رییس‌جمهور محمد اشرف غنی است که دیروز در آغاز کنفرانس سه روزه قوانین رسانه‌ی در افغانستان بیان شد.

در این کنفرانس که از سوی دفتر میدیوتیک افغانستان در کابل برگزار گردیده بود، شمار زیادی از مسوولان نهادهای رسانه‌ی، روسای اطلاعات و فرهنگ ۳۴ ولایت کشور و رسانه‌ها اشتراک کرده بودند.

اشتراک کننده‌گان این کنفرانس تأکید کردند که تصویب قوانین رسانه‌ها به معنی محدود کردن رسانه‌ها نیست، بلکه حدود و ثغور رسانه‌ها را مشخص می‌سازد.

آنان هم‌چنان بیان داشتند که امتیاز تصویب این قوانین به خانواده‌ی رسانه‌ها نهادهای رسانه‌ی و حکومت وحدت ملی مربوط می‌شود چون در طی کار روی این قوانین با هم همکاری بوده‌اند.

به باور آن‌ها، ادارات دولتی نمی‌دانند که کدام معلومات را در دست‌رس خبرنگاران قرار دهند بناً نیاز است تا در هر اداره دولتی یک دفتر اطلاع‌رسانی ایجاد گردد تا معلومات دسته بندی و در دست‌رس متقاضیان قرار گیرد.

حمیدالله زازی، هم‌آهنگ کننده عمومی دفتر میدیوتیک افغانستان در این کنفرانس ضمن خوش‌آمدگویی مهمانان هدف از برگزاری این کنفرانس را مدیریت رسانه‌ها و معلومات برای آن‌ها و هم‌چنان اصول‌مند ساختن این رسانه‌ها عنوان کرده بیان داشت: مجموعه قوانین رسانه‌ی که تصویب شده است، یک گام نیک است و در یخش تخنیک، محتوایی، تنظیمی و سازماندهی یک دست‌آورد است.

آقای زازی در ادامه سخنانش گفت: امتیاز تصویب این قوانین به خانواده رسانه‌ها، نهادهای رسانه‌ی و حکومت وحدت ملی مربوط می‌شود، چون در طی کار روی این قوانین با هم همکاری بوده‌اند.

آقای زازی تأکید کرد: تلاش می‌کنیم تا این قوانین را بیشتر توان‌مند بسازیم و کاستی‌های آن‌را با برگزاری کنفرانس‌های بیشتر و بحث روی آن برطرف کنیم.

به گفته هم‌آهنگ کننده دفتر میدیوتیک افغانستان: دفتر میدیوتیک و وزارت اطلاعات و فرهنگ در پی آن است تا زمینه بحث عمومی را برای این‌که ریاست‌های اطلاعات و فرهنگ ولایت‌ها مرجع اساسی نظارت و تطبیق قوانین رسانه‌ی هستند، را فراهم کنند.

او اظهار داشت: ریاست‌های اطلاعات و فرهنگ ولایت‌ها باید این قوانین را تحلیل و مفاهیم گنگ و مبهم آن‌را بررسی کنند تا برداشت عمومی، واحد و یک‌سان از قوانین به وجود بیاید.

در سویی دیگر، اسدالله غضنفر مشاور فرهنگی رییس‌جمهور پیام محمد اشرف غنی را در پیوند

به تصویب قوانین رسانه‌ی قرأت کرد. در پیام رییس‌جمهور آمده است: رسانه‌ها به عنوان قدرت بنیادی در حکومت‌های دموکراتیک از اهمیت و موثریت فراوانی برخوردار اند. قوانین رسانه‌ی برای ایجاد نظم و انضباط در گسترش آزادی بیان و تعریف آن و بیان کردن ابعاد مختلف فعالیت‌های رسانه‌ی مانند سایر قوانین انفاذ برخوردار است.

در بخش دیگر پیام رییس‌جمهور آمده است: ضرورت تشریح قوانین رسانه‌ی بسیار مبرم و حیاتی است و با توجه به حوزه گسترش رسانه‌ها و تقویت اطلاعات از طریق رسانه در شرایط عصر ارتباطات، لازم می‌نماید تا قوانین رسانه‌ی به عنوان منبع مشروعیت رسانه‌ی هرچه بهتر موشکافی شوند.

هم‌چنان، سعید مژگان مصطفوی معاون نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ در این برنامه بیان داشت: تصویب قوانین رسانه‌ها به معنی محدود کردن رسانه‌ها نیست، بلکه حدود و ثغور رسانه‌ها را مشخص می‌سازد.

بانو مصطفوی در ادامه اظهار داشت: در قوانین افغانستان به ویژه قانون رسانه‌های همه‌گانی، قانون گپی رایت، قانون حق دست‌رسی به اطلاعات و مقرر طرز تأسیس و فعالیت رسانه‌های همه‌گانی تمام شرایط که در جهان رایج است را برای یک رسانه آزاد دارد.

به گفته معاون نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ: یکی از پیش شرط‌ها برای رسانه‌های آزاد در جهان مسأله حضور هیأت منصفه ژورنالیستان خیره است که جرایم و تخلف‌های رسانه‌ی را بررسی کند تا خبرنگار مانند یک تروریست و یا یک قاتل به مراجع عدلی و قضایی معرفی نشود.

او گفت: کمیسیون‌های که در یک سال اخیر در وزارت اطلاعات و فرهنگ ایجاد شده است، ممنوعیت توقیف خبرنگاران را کاملاً تضمین کرده است و به هیچ عنوان خبرنگار به حیث یک مجرم به نهادهای عدلی و قضایی نمی‌رود.

بانو مصطفوی اذعان داشت: چالش بزرگی که در قوانین رسانه‌ی با آن روبه‌رو هستیم، محتوای رسانه‌ها است که حمایت از سکتور مصونیت اجتماعی در قوانین اضافه گردد و برنامه‌های رسانه‌ها در قوانین به گونه‌ی تنظیم گردد که به توسعه کشور کمک کند.

بانو مصطفوی بر این باور است که قوانین رسانه‌ی چنانی که باید تازه و به‌روز نشده و نیاز است تا در قسمت استفاده از شبکه‌هایی که در سال‌های اخیر وارد کشور شده از جمله شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون‌های دیجیتال، ماه‌واره‌ها و امواج و شبکه‌های خارجی نیز کار و قانون‌گذاری صورت گیرد.

بانو مصطفوی تأکید کرد: وزارت اطلاعات فرهنگ از حکومت تصویب مکان و منار شهدای رسانه‌ی را به دست آوردیم که قرار است به زودی در تفاهم با نهادهای آزاد رسانه‌ی و در مشوره با مطبوعات کشور خواهد بود، منار یاد بودی را برای شهدای رسانه‌های کشور احداث

خواهیم کرد.

هم‌زمان با این، صدیق‌الله توحیدی رییس نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان یا نی در این کنفرانس در پیوند به عدم تطبیق قوانین رسانه‌ی در کشور در طول سال‌های گذشته و حال گفت: قانون رسانه‌های همه‌گانی الی ۱۵ سرطان سال ۱۳۸۸ چهار بار تعدیل شد و در این چهار بار سعی شد تا این قانون بهتر شود، اما در عین حال تلاش شد تا مواردی بدتر گردد.

آقای توحیدی در ادامه اظهار داشت: کمیسیون‌هایی که در قانون رسانه‌های همه‌گانی ذکر گردیده بود که یک تعداد را آقای سید مخدوم رهین در این کمیسیون گماشت و تا سال‌های دراز حفظ شد و با وجود اصرار ما در این قسمت توجهی هم نشد. او گفت: توشیح قانون حق دست‌رسی به اطلاعات یکی از کارهای بسیار خوب حکومت وحدت ملی در آغازین روزهایش بود در حالی که بارها در حکومت حامد کرزی (رییس‌جمهور پیشین) در قسمت آن تلاش کردیم، اما به آن بی توجهی صورت گرفت.

آقای توحیدی خطاب به مشاور فرهنگی رییس‌جمهور در این کنفرانس تصریح خاطر نشان ساخت: «تطبیق قانون حق دست‌رسی به اطلاعات کار ساده نیست؛ این قانون تازه است و حکومت با یک متن تازه مواجه است و ادارات دولتی تا هنوز نمی‌دانند کدام معلومات را در اختیار خبرنگاران قرار دهند و کدام معلومات را نه.»

به گفته رییس نهاد نی: هر اداره دولتی باید یک دفتر اطلاع‌رسانی ایجاد کند و در آن تمام اطلاعات و معلومات و آمار و ارقام آن اداره در آن دسته بندی گردد و آماده سپردن به متقاضی اطلاعات گردد.

او تأکید کرد: حق دست‌رسی به اطلاعات تنها حق خبرنگاران نیست؛ تمام شهروندان کشور به اطلاعات نیاز دارند و باید بدون پرسیدن دلیل کسب اطلاعات از متقاضی و تا آن‌جا که قانون منع کرده برای‌شان معلومات داده شود.

او می‌افزاید: بودجه کمیسیون حق دست‌رسی به اطلاعات به هیچ عنوان کافی نیست و از رییس‌جمهور می‌خواهیم تا اختیارات و بودجه بهتری را برای این کمیسیون در نظر بگیرند و کمیسیون راه‌کارهای شان را با ادارات دولتی و غیر دولتی شریک بسازند و اگر کسی از دادن اطلاعات در چارچوب قانون خود داری کرد باید مجازات شود.

آقای توحیدی از روسای اطلاعات فرهنگ ولایات خواست تا حامی خبرنگاران و رسانه‌های خصوصی و آزاد باشند.

رشد رسانه و کار رسانه‌ی در افغانستان یکی از درشت‌ترین دست‌آوردهای حکومت و جامعه رسانه‌ی گفته می‌شود که این دست‌آورد با چالش‌هایی نیز روبه‌رو بوده و حق دست‌رسی به اطلاعات با وجود داشتن قانون در این زمینه یکی از دردسره‌های همیشه‌گی رسانه‌گران باقی مانده است.

معاون دوم ریاست جمهوری: تروریسم در افغانستان از مواد مخدر تغذیه می‌کند

..... ابوبکر صدیق

مواد مخدر ماشین جنگی را در افغانستان تأمین کرده و گروه‌های تروریستی از آن تغذیه می‌کنند.

سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری که دیروز یک‌شنبه (۲۷ سرطان) «روز جهانی همبستگی مبارزه با مواد مخدر» در کابل صحبت می‌کرد با بیان این مطلب گفت که مواد مخدر پدیده شوم تهدید برای افغانستان، منطقه و جهان است؛ اما قربانی اصلی آن مردم افغانستان شده‌اند که بلای خانمان سوزی اعتیاد دامن‌گیر این مردم است.

آقای دانش همچنان گفت: مواد مخدر هزینه جنگ تحمیلی را در افغانستان تمویل کرده و منبع بزرگ اقتصادی برای مخالفان مسلح دولت افغانستان است که امنیت جهانی و منطقه‌ی را در خطر قرار داده است.

به گفته او، عامل افزایش مواد مخدر در افغانستان، افزایش تقاضای این پدیده در بازارهای جهان است.

او گفت که گروه‌های دهشت افکنی که از مواد مخدر به عنوان منبع درآمد استفاده می‌کنند، جرایم سازمان یافته و جنایی را بیشتر مرتکب می‌شوند.

به گفته او، دولت افغانستان مصمم است به شکل جدی در برابر این پدیده مبارزه کند.

او افزود: حکومت وحدت ملی قانون جدید را در مورد مبارزه با مواد مخدر پس از بازنگری جهت تصویب به شورای ملی فرستاده است که یکی از سختگیرانه‌ترین قانون در برابر قاچاقچیان و زارعان مواد مخدر در سطح کشورهای منطقه محسوب می‌شود.

معاون دوم ریاست جمهوری اظهار داشت: جرم پنداری فروش و قاچاق مواد مخدر، تعقیب عدلی و قضایی مجرمین و هم‌آهنگ سازی نهادهای ملی و بین‌المللی در امر مبارزه با مواد مخدر از اهداف عمده حکومت وحدت ملی می‌باشد.

آقای دانش، عامل دیگر افزایش مواد مخدر را در کشور ادامه جنگ و نارضایتی، فقر و کمبود امکانات برای دهاقین دانسته، افزود: بدیل میعشتی برای دهاقین در اولویت برنامه دولت قرار دارد.

او تصریح کرد: آگاهی‌دهی از اضرار مواد مخدر، رسیده‌گی به خدمات صحتی معتادان، تبلیغ اضرار مواد مخدر از طریق منابر و تکیه‌خانه‌ها از مسوولیت‌های وزارتخانه‌های، حج و اوقاف، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ و ... است که به شکل جدی به آن توجه کنند.

آقای دانش همکاری بین‌المللی را در امر مبارزه با مواد مخدر در کشور مهم دانسته گفت: بیشتر کمک‌های که از طرف کشورهای کمک کننده در مبارزه با مواد مخدر به افغانستان کمک شده از طریق نهادهای غیر دولتی به مصرف رسیده که موثریت نداشته است.

معاون دوم ریاست جمهوری همچنان اضافه کرد: مردم توقعی را از وزارت مبارزه با مواد مخدر داشتند، برآورده نشده است، بازداشت مجازات قاچاقچیان آنچنانی که باید صورت نگرفته است.

او تأکید کرده که تمام نهادهای غیر دولتی به خصوص مراکز دینی مسوولیت دارند تا از اضرار مواد مخدر مردم را آگاهی دهند.

این در حالی است که در پهلوی فساد اداری، نامنی، فقر و شماری از مشکلات دیگر، کشت و تولید مواد مخدر از عمده‌ترین مشکل است که دامن‌گیر افغانستان شده و تلاش‌ها برای نابودی آن در یک و نیم دهه اخیر، هیچ ثمری نداشته است.

وزارت مبارزه با مواد مخدر می‌گوید ۳٫۶ میلیون تن از شهروندان افغانستان معتاد به مواد مخدر هستند.

در همین حال، معینت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله نیز می‌گوید که حدود ۹۵ درصد مواد مخدر افغانستان در بخش‌های نامن و مشکل‌گذر کشت و تولید می‌گردد و نامنی و جنگ زمینه را برای آن مساعد ساخته است.

نواز شریف به غنی:

از همکاری تان در قتل مسبان حمله بر پیشاور سپاس گزارم

موفقیت آمیز نواز شریف ابراز خرسندی کرد و حال وی را در وضعیت فعلی جویا شد.

نخست وزیر پاکستان به خاطر اقدام علیه طالبان و کشتن تروریست‌هایی که مسبب حادثه پیشاور بودند از رییس‌جمهور افغانستان تشکر و بر عزم اسلام‌آباد مبارزه با تروریسم تأکید کرد.

وی افزود: عملیات ضد تروریسم ارتش تا کشته شدن آخرین تروریست ادامه خواهد یافت و نظامیان فداکاری زیادی در این زمینه انجام داده‌اند که اجازه نمی‌دهیم تلاش‌های آنها بی‌ثمر باشد.

نواز شریف اظهار داشت: تروریسم دشمن مشترک

نخست‌وزیر پاکستان به خاطر اقدام علیه طالبان و کشتن تروریست‌هایی که مسبب حادثه پیشاور بودند از رییس‌جمهور افغانستان تشکر و بر عزم اسلام‌آباد مبارزه با تروریسم تأکید کرد.

اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان در گفت‌وگوی تلفنی با نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان، وی را از جزئیات کشته شدن مغز متفکر حادثه پیشاور آگاه کرد. بر اساس گزارش‌ها، رییس‌جمهور غنی اطلاعاتی را در اختیار گذاشته است که بر اساس آن عامل اصلی حمله به مکتب پیشاور کشته شده است.

به گزارش دیلی اکسپرس، غنی از عمل جراحی

امریکا در افغانستان کشته شدند.

خلیفه چندین عملیات در پاکستان از جمله حمله ماه جنوری ۲۰۱۶ میلادی به دانشگاه «پاچاخان» و در ماه دسمبر ۲۰۱۴ میلادی به مدرسه‌ای در پیشاور که منجر به کشته شدن بیش از ۱۳۰ کودک شد، را انجام داد.

دومقام امنیتی پاکستان به شرط فاش نشدن نامشان اعلام کردند در حمله پهپادهای آمریکایی به ناحیه بندار در ولایت ننگرهار عمر منصور معروف به خلیفه و قاری سیف‌الله طراحان حادثه تروریستی پیشاور کشته شده‌اند.

در ۱۶ دسمبر سال ۲۰۱۴ طالبان به مدرسه متعلق به ارتش در پیشاور حمله کردند و تعداد زیادی از دانش‌آموزان و معلمان را گروگان گرفتند که در این حادثه ۱۶۱ نفر از جمله ۱۳۲ دانش‌آموز کشته شدند.

پاکستان و افغانستان است و با هماهنگی بیشتر همچنین استحکام روابط می‌توان این مسئله را حل کرد.

چندی پیش فرمانده نیروهای خارجی در افغانستان ضمن تماس تلفنی با راجیل شریف فرمانده ارتش پاکستان کشته شدن عمر منصور، عمر ناری یا خالد خراسانی همچنین طارق گیدر و سایر شبه‌نظامیان که در حادثه پیشاور دست داشتند را در حمله پهپادهای امریکایی تأیید کرد.

سخنگوی پنتاگون تأیید کرد که عمر خلیفه رهبر گروه طارق گیدر و از طراحان حمله به مکتب ارتش پاکستان در پیشاور به همراه ۴ تن از افراد خود در حمله هوایی

فیسبوک نامه



امیر الله صالح

پنج مشخصه و یا خصلت کودتاهای موفق
 اول: موافق و سهیم بودن نزدیکترین (از دید فاصله) واحد نظامی به مقر قدرت در طرح کودتا.
 دوم: سازش پنهانی با یک و یا چند قدرت خارجی به خاطر حمایت سیاسی، تسلیحاتی، مالی و لابی.
 سوم: از دید عملیاتی با حرکت برق آسا و غافل گیر کننده باید مقر قدرت یعنی ریاست جمهوری تسخیر گردیده و رئیس جمهور توان پیام رسانی را از دست دهد.
 چهارم: فلج سازی شبکه های مخابراتی و تحت کنترل در آوردن رسانه های دولتی به صورت برق آسا.
 پنجم: پخش پیام کوتاه و با محتوا در ارتباط به تحول صورت گرفته و وادار سازی رئیس دولت به استعفا، عذرخواهی یا...
 نوت: به روایت تاریخ هر کودتایی که در سه ساعت اول نتیجه نداد، امکان موفقیت اش کم است. کودتا عمل زشت، غیردموکراتیک و در بسیاری مواقع ضد مردمی است. حتی کودتاهای موفق نیز در آخر نا فرجام اند. کودتاترین راه رسیدن نظامی ها به قدرت با توسل به زور را کودتا گویند. کودتا نکنید.

محمد ناطقی



دنیای ما زیبایی اش را از دست داده است
 آفرینش زیبا است و زیبا و هارمونی خلق شده است. زمین که دوهزار پانصد سال مرکز عالم و آفرینش گرفته شد «هیات بطلیموس»، از همه جا زیباتر خلق شده است و اما بشر هفت میلیاردی روی کره خاکی، تبدیل به سرطان زمین شده است «سرطان الارض» زیبایی زمین را گرفته است. خبر کشتار و بی رحمی و خبر جاری شدن دریای خون و مصیبت زیبایی زمین و زنده گی را گرفته است. وقتی شش فرزند شش برادر در جلو چشم مادرش ذبح می شوند و ۲۷ کودک نوه های مادر پیر جلال آبادی، دور مادر بزرگش را گرفته اند و دو چیز می خواهند: نان و بابا، با این وضع دیگر چه زیبایی برای زمین و زمان، مانده است؟

خلیل پژواک



تمرکز کاربران افغانستانی بر کودتای شکست خورده ترکیه کمی عجیب بود. کودتای شبانه ارتشی ها در ترکیه و کشته شدن قنديل بلوچ در پاکستان، دو خبر داغ در میان کاربران افغانستانی بود، به گونه ای که هیچ خبری غیر از آن توفیقی برای گشودن باب بحث و جدل نمی یافت. در افغانستان و در همین روز، بحث بر سر اصلاح نظام انتخاباتی و غصب زمین در پارلمان جریان داشت، شهرداری هم فهرست بدهکاران ثروت مند کابلی را از این اداره منتشر کرد و البته غنی طبق معمول هشدار نابودی داعش را داد.

این درست است که ما مسایل داخلی را تا حدی کنار گذاشتیم و درست مانند برخی کشورهای عربی، از جمله در مصر و یا رسانه های مانند العربیه، کار اصلی مان دنبال کردن لحظه به لحظه کودتا در ترکیه بود؛ اما این انتقاد که «کسی که جویچه پیش خانه اش را پاک نمی تواند، چه غرض به کودتای ترکیه؟» از جهاتی بسیار نادقیق است.

مهم ترین عیب آن این است که خود پرسنده این سوال دچار همان اشتباهی می شود که فکر می کند دیگران مرتکب شده اند. دنبال کردن شتاب زده حوادث. استقبال از یک حادثه، عوامل ذهنی و اجتماعی و حتی سیاسی یی دارد که نیازمند دقت و تأمل بیشتر است. افغانستانی ها چرا نسبت به کودتا در ترکیه حساسیت بیشتری به خرج دادند؟ آیا این حساسیت، ربطی به وضعیت سیاسی و اجتماعی ما ندارد؟ من گمان می کنم، نقاطی بود که ما را با آن چه که در ترکیه اتفاق می افتاد، پیوند می زد. اولاً، نارضایتی از حکومت در افغانستان به بالاترین سطح خود رسیده است، حتی اگر همه پرسشی های چندماه اخیر را مبنای چنین نتیجه گیری یی قرار دهیم، ۲۰ درصد اعتبار، برای حکومتی که مدیریت یک کشور بحرانی را در کنترل دارد، عملاً یک فاجعه سیاسی است. نارضایتی عمومی، مردم را به صورت طبیعی به سوی اتفاقات ناشی از نارضایتی یا اعتراض در دیگر کشورها و پیامدهای آن می برد. دوم، به دلیل سیاست های پان ترکیسم اردوغان و این که «تو ترکی، بزرگ فکر کن» که تا حدی در افغانستان و در میان ترک تباران غالباً حامیان و هوادارانی یافته است و برای آن ها بودن و نبودن دولت کنونی ترکیه و تغییر رژیم، و دنبال کردن این رویدادها جالب است. سیاسی شدن بیش از اندازه مردم در افغانستان که البته قصه دیگری است.

دستگیر روشنیالی



د ما لویی غونبنتی او د ما خوار واقعیت. دا د ما د لویی غونبنتو او د ما د خوار واقعیت ترمنخ لوی واتن دی چي په پرله پسي توگه د افراط په لورد ما لارښوونه کوي او افراط بیا په خپل وار د ما دنیا دومره تنگه او دومره تیاره کړي، چیري چي زه د هغه څه په لیدلو او منلو کي چي ترمنخ او شاوخوا مي تیريږي بي وسه کېږم. د عقل او پوهي په ځای موهوماتو او خرافاتو ته پناه وروړم. هو! سترگي لرم، خو وينم نه. غوږونه لرم، خو اورم نه. شعور لرم، خو پوهيږم نه. جاهل پاتي کېږم، جهالت پالنه کوم، په جهل خرڅونکو پسي ځم او له دنیا هم جاهل تیريږم. په دې ډول حالت کي زه له دواړو زمانې او انسانه او هم له ځانه بیگانه کېږم او نه پوهيږم تاریخ اوراتلونکی هويت به مي څه وي او په کوم نوم به ياديږم؟

کشور

جهان بنا

کری:

دست داشتن امریکا در کودتای ترکیه «ادعایی دروغ» است

وزیر خارجه امریکا تأکید کرد که ادعاها درباره دست داشتن این کشور در کودتای نافرجام ترکیه به روابط دو کشور آسیب می رساند. جان کری، وزیر خارجه امریکا در گفت و گوی تلفنی با مولود چاوش اوغلو، همتای ترکیه یی خود گفت که ادعاها درباره دست داشتن واشنگتن در کودتای نافرجام ترکیه به روابط میان دو کشور آسیب می رساند. وزارت خارجه امریکا در بیانیه یی اعلام کرد که جان کری خواهان خویشن داری ترکیه و احترام به حاکمیت قانون طی روند تحقیقات درباره این توطیه شده است. در این بیانیه آمده که امریکا آماده کمک به مقامات ترکیه درباره تحقیقات در خصوص این مسأله است، اما اشاره ضمنی یا ادعاهای علنی در خصوص نقش امریکا در تلاش برای کودتا کاملاً دروغ است و به روابط دو جانبه آسیب می رساند. کری هم چنین روز شنبه اعلام کرد که کشورش منتظر درخواست رسمی ترکیه برای استرداد فتح الله گولن، روحانی در تبعید ترکیه است و این درخواست را بررسی خواهد کرد. ترکیه جمعه شب شاهد کودتای نافرجام ارتش علیه دولت این کشور بود که به کشته، زخمی و بازداشت شدن صدها تن منجر شد. ترکیه ادعا کرده که واشنگتن در این کودتا دست داشته است.

وزیر داخله آلمان:

به مسلمانان سوءظن نداشته باشید

وزیر داخله آلمان پس از حمله تروریستی روز پنجشنبه در شهر نیس فرانسه تأکید کرد که نباید همه مسلمانان مورد سوءظن قرار بگیرند. وزیر کشور آلمان در گفت و گو با روزنامه بیلد این کشور اظهار داشت: با تأکید نصیحت می کنم که به همه مسلمانان سوءظن نداشته باشید. در غیر این صورت، این سوءظن خطری بزرگ برای همبستگی اجتماعی ما خواهد بود. با توجه به تعداد زیاد مسلمانانی که در اروپا زنده گی کرده اند و خود را بخشی از این جامعه می دانند، این سوءظن ها اقدامی اشتباه است. دومیزیر، در ادامه تأکید کرد: باید در نظر داشت که گروه های افراطی مسلمانان از دین برای توجیه کشتارهای شان سوءاستفاده می کنند و آنچه در این جا اهمیت بیشتری دارد این است که خود مسلمانان آشکارا و کاملاً روشن از این تفکرات افراطی دوری می کنند. یک تونسسی به نام محمد لوحیج بوهلال (۳۱ ساله) در شهر نیس فرانسه و در جریان جشن های روز ملی این کشور با کامیونی مردمی را که در خیابان ها تجمع کرده بودند زیر گرفت و باعث کشته شدن دست کم ۸۴ تن و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ تن دیگر شد.

«تروریسم» مانعی جدی برای اجرای طرح جاده ابریشم چین

چین اعلام کرد که بر اساس تحقیقات صورت گرفته به این نتیجه رسیده است که تروریسم و بی ثباتی در منطقه، بزرگترین مانع در اجرای طرح احیای جاده ابریشم دریایی و زمینی است که ایده آن در سال ۲۰۱۳ توسط رئیس جمهوری این کشور مطرح شد. تحقیقات مذکور را بنیاد «سیتیک» چین و آکادمی علوم اجتماعی این کشور انجام داده و افزوده اند که پیشرفت ها در این برنامه کمتر از آنچه چیزی است که تصور می شد. این مراکز تصریح کرده اند که اگر بتوان طرح راه اندازی جاده ابریشم را به پیش سوق داد، ممکن است باعث افزایش همکاری جهانی و منطقه یی در مبارزه با تروریسم و خشونت و افراط گرایی شود. گزارش دو موسسه نشان می دهد که بسیاری از کشورهایی که در منطقه به این طرح مربوط می شوند یا در حال گذار سیاسی بوده و یا درگیر مسایل ارضی و جنگ هستند و بی ثباتی در آن ها مانع بزرگی برای پیشبرد برنامه احیای راه ابریشم محسوب می شود. این تحقیقات به ویژه از گروه تروریستی داعش ابراز نگرانی کرده و در آن آمده است: به غیر از این گروه، ۱۰ گروه تروریستی جدید نیز در منطقه به ویژه در آسیای مرکزی ظهور پیدا کرده اند که افراط گرا هستند. مراکز دولتی چین افزوده اند که اکنون باید نگران سرمایه گذاری ها، جان و مال کارگران و نیروهای چینی بود که قصد اجرای این طرح را در کشورهای مختلف دارند. پژوهش های آکادمی علوم اجتماعی و «سیتیک» چین حکایت از آن دارد که تروریسم در منطقه آسیای مرکزی مانع بزرگی است و همزمان تأکید شده است که موفقیت در اجرای برنامه احیای راه ابریشم می تواند راهی برای ریشه کن کردن این پدیده باشد. این مراکز تحقیقاتی تأکید کرده اند که سیاست های چین در اجرای این برنامه و ایجاد یک نظم نوین سیاسی و اقتصادی با برنامه ها و راهبردهای دوگانه غرب در مبارزه با تروریسم تفاوت دارد. بر اساس برنامه احیای راه ابریشم که «شی جین پینگ» رئیس جمهوری خلق چین در سال ۲۰۱۳ میلادی مطرح کرد ارتباطات آسیا و خاورمیانه با اروپا بیشتر خواهد شد و جاده ابریشم و راه دریایی ابریشم قرن بیست و یکم شکل خواهد گرفت و برای اجرای طرح های مرتبط با آن یک صندوق از سوی چین با بودجه ۴۰ میلیارد دلاری تخصیص داده شده است. رئیس جمهوری چین هم چنین پیش بینی کرده که در مدت یک دهه از راه اندازی این مسیر، ارزش تجاری آن برای کشورهای قرار گرفته در این مسیر به ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار برسد.

دهمین جشنواره بزرگ افغانستانی های

مقیم اروپا در شهر کلن برگزار شد



دهمین جشنواره بزرگ افغانستانی های مقیم اروپا با حضور سرمربی و بازیکنان تیم ملی فوتبال افغانستان در شهر کلن آلمان برگزار شد. در این جشنواره ۲۴ تیم فوتبال که تمامی بازیکنان آن را افغانستانی های مقیم اروپا تشکیل می دادند، از هفت کشور اروپایی با هم به رقابت پرداختند که در نهایت بعد از انجام ۶۸ مسابقه (۲۰ دقیقه یی) تیم «اف سی افغان هانو» که از کشور آلمان در این رقابت ها شرکت کرده بود، به مقام اول دهمین دور جشنواره فوتبال افغانستانی های مقیم اروپا دست یافت. تیم های «افغان دانمارک»، «آزادی بن» و تیم «پدیده افغان» از شهر فرانکفورت به ترتیب مقام های تا چهارم را از آن خود کردند.

در مسابقات فوتبال کودکان ۱۲ الی ۱۴ سال نیز تیم مهاجرین آلمان مقام اول و تیم کودکان لاله ها از کشور انگلستان دوم شد.

در جشنواره دهم افغان های مقیم اروپا مسابقات فوتبال کودکان زیر ۱۲ سال نیز با حضور بیش از ۵۰ کودک با همکاری با فدراسیون فوتبال آلمان برگزار شد. لازم به ذکر است که در این دوره از رقابت ها عده یی از پیش کسوتان رشته های مختلف ورزشی، پیتیر شگرت سرمربی تیم ملی فوتبال افغانستان، سه تن از بازیکنان تیم ملی فوتبال افغانستان (کنشکا طاهر، انوش دستگیر و مسیح سیغانی)، رهبری فدراسیون ورزشی افغانستانی ها از کشور هالند، تعدادی از بازیکنان و اعضای تیم ملی فوتبال بانوان افغانستان نیز حضور داشتند.

مسابقات بومی نیزه زنی از روی اسب

در غزنی برگزار شد



مسابقات بومی نیزه زنی از روی اسب با حضور ۴۰ سوارکار از ۱۴ شهرستان ولایت های پکتیا و غزنی در شهر غزنی برگزار شد.

مسوولان اداره ورزش غزنی اعلام کردند که این مسابقات به صورت دوستانه برگزار شد و سوارکاران ولایت غزنی پس از دو روز تلاش مقام نخست را به دست آوردند.

نیزه زنی از روی اسب ورزش بومی و پُرفردار در ولایت غزنی است، در این ورزش میخ چوبی در وسط میدان کوبیده می شود و سوارکاران باید میخ را از وسط میدان از جایش بردارند.

پاشاه خان هزبر، مسوول اداره ورزش غزنی می گوید: در مسابقات نیزه زنی در غزنی ۴۰ سوارکار از ۱۴ شهرستان مربوط ولایت های غزنی و پکتیا شرکت کردند که پس از دو روز مسابقه تیم ولایت غزنی مقام نخست را از آن خود کرده است.

مسوول اداره ورزش غزنی ضمن تأکید بر حفظ ورزش های بومی در این ولایت از بی توجهی دولت افغانستان به ورزش های بومی انتقاد کرد و گفت: بی توجهی مسوولان باعث کم رنگ شدن ورزش های بومی در این ولایت شده است.

مسوول اداره ورزش غزنی از دولت می خواهند تا در رونق ورزش های بومی در ولایت غزنی با این اداره همکاری کنند.

فرمانده ارشد نیروهای امریکایی در افغانستان:

ارتش افغانستان برای پیروزی موضع تهاجمی بگیرد

شکست انجامیده است. فرماندهان امریکایی در افغانستان سال‌هاست به این باورند که فشار نظامی می‌تواند شورشیان طالبان را به میز مذاکره بکشاند. با این حال، آمار قربانیان در میدان جنگ افزایش یافته است. نیکلسون گفت که سال گذشته حدود ۲۰ هزار تن از سربازان افغان کشته یا زخمی شدند. او گفت که در جنگ بیش از ۵ هزار تن کشته و بیش از ۱۴ هزار تن از سربازان افغانستان زخمی شدند. این شمار از قربانیان حدود ۲۰ درصد بیشتر از سال پیش تر از آن می‌باشد. این شمار تلفات به علاوه عسکر گریزی و رخصتی های طولانی، ارتش ملی افغانستان را زیر فشار قرار داده است. جنرال میشل کلیمتس، مشاور ارشد وزارت دفاع و داخله افغانستان در مصاحبه دیگری گفت که شمار سربازان اردو باید ۱۹۵ هزار تن باشد در حالی که حکومت نام ۱۷۵ هزار تن را در لیست خود دارد. او گفت: «ما شک داریم که شمار سربازان این قدر باشد». جنرال ریچارد قیصر، فرمانده امریکایی در ماموریت آموزشی نیز به شک و تردیدهایی درباره شمار واقعی سربازان افغان اشاره کرد که گفته می‌شود شمار قابل توجهی از سربازان در اردو و پولیس ملی نامشان ثبت است اما عملاً وجود ندارند و معاش آنها را برخی فرماندهان فاسد به جیب خود می‌زنند. این در حالی است که وزارت دفاع امریکا در گزارشی به کانگرس این کشور در ماه جون گفت که نظرسنجی ها نشان می‌دهند که افغان‌ها اکنون بیش از هر زمانی احساس ناامنی می‌کنند. در گزارش آمده است: «احساس امنیت تقریباً به پایین ترین حد خود قرار دارد». با این حال، جنرال نیکلسون دلایلی را برای خوشبینی ارائه می‌کند؛ یک رشته وقایعی که سبب شده اند تا روحیه سربازان افغان تقویت شود. او از جمله، از کشته شدن ملا اختر منصور فرمانده طالبان نام برد. او گفت: «این واقعه تأثیر بسیار عمیق تر از آنچه گذشت که ما تصور می‌کردیم». او توضیح داد: «کشته شدن ملا منصور تعهد ما را به افغان‌ها نشان داد؛ و این که چطور با دشمن مقابله می‌کنیم؛ کاری که ما پیش از آن هرگز علیه رهبری دشمن در خاک پاکستان انجام نداده بودیم».



که نیروهای افغانستان در مناطق شرقی این کشور علیه طالبان به راه انداخته اند. جنرال نیکلسون گفت که در این عملیات‌ها نه تنها از هواپیماهای جنگی بلکه از هواپیماهای اکتشافی و تدارکاتی نیز استفاده می‌شود. نتیجتاً نیکلسون گفت که این مسایل به اندازه کافی توانایی تهاجمی برای نیروهای افغان ایجاد می‌کند تا طالبان را در هم بشکنند. این در حالی است که گفت‌وگوهای صلح با طالبان تاکنون به

تصمیم گرفت تا ۸۴۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان باقی بمانند. در حال حاضر حدود ۹۸۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان حضور دارند. او با بعد از دو دوره ریاست جمهوری، در ماه جنوری سال ۲۰۱۷، کاخ سفید را ترک می‌کند. نیکلسون گفت که انتظار می‌رود در هفته های آینده بیشتر از امکانات نظامی برای حمایت از عملیات های تهاجمی نیروهای افغان استفاده شود، از جمله در عملیاتی

جنرال جان نیکلسون، فرمانده ارشد نیروهای امریکایی در افغانستان روز شنبه گفت که پشتیبانی نیروهای امریکایی از سربازان افغان می‌تواند تغییر دهنده جنگ باشد. او افزود که نیروهای افغان باید موضع تهاجمی داشته باشند.

پس از پایان ماموریت جنگی نیروهای خارجی در افغانستان در سال ۲۰۱۴، نیروهای امریکایی از هدف قراردادن طالبان مگر در شرایط خاص، منع شده بودند. اما او با ماه گذشته این محدودیت را برداشت. جنرال نیکلسون می‌گوید بر اساس این تصمیم، از نیروی هوایی امریکا و دیگر امکانات نظامی علیه طالبان استفاده صورت می‌گیرد.

جنرال نیکلسون در مصاحبه ویژه با خبرنگاری اسوشیتد پرس در مقرر فرماندهی نیروهای امریکایی در کابل گفت که آنچه مهم است تشویق نیروهای افغان به تداوم موضع تهاجمی است. او گفت: «اروها هنگامی پیروز می‌شوند که تهاجمی عمل کنند».

او با این سخن در واقع به نگرانی طولانی مدت امریکا نسبت به فرماندهان افغان اشاره کرد که گفته می‌شود بسیار منفعل و تدافعی هستند و استراتژی تهاجمی برای تعقیب طالبان پس از شکست شورشیان ندارند.

نیکلسون توضیح داد: «حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان وقتی که آنها در حالت تهاجمی هستند، در واقع کار ما است زیرا وقتی آنها ابتکار عمل دارند، وقتی در موضع تهاجمی هستند، وقتی علیه دشمن می‌جنگند، آن وقت است که موفق می‌شوند».

فرمانده ارشد امریکا در افغانستان با اشاره به تلاش برای کودتا در ترکیه گفت که این اقدام هیچ تأثیری بر حمایت امریکا و متحدانش از افغانستان در جنگ علیه طالبان ندارد. او گفت که ائتلاف بین المللی که او رهبری اش را به عهده دارد، شامل ۵۰۰ سرباز ترکیه می‌باشد. او گفت که از اقدام حرفه ای افسران ارشد ارتش ترکیه در حمایت از حکومت ملکی خوشنود است.

بازرگ او با، رییس جمهور ایالات متحده ماموریت جنگی سربازان کشورش را در افغانستان در ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ پایان داد. او قصد داشت تا همه نیروهای جنگی را به جز یک واحد نظامی برای حفاظت از سفارت این کشور در کابل به خانه بازگرداند اما اخیراً

اردوغانیزه شدن ترکیه



بپردازد، می‌توان به آینده ترکیه با اردوغان امیدوار بود وگرنه در غیر این صورت، ترکیه همچنان باید سایه تنش را بالای سر خود ببیند.

اگر ترکیه بعد از این مرحله، دست از لجاجت بر سر مسأله سوریه بردارد و خود را در چارچوب توافق‌های کلی سیاسی برای سوریه قرار دهد و همانطور که رابطه با روسیه را اصلاح کرد به اصلاح روابط با همسایگانش

ارتش اردوغانیزه شود یا اردوغان ساقط شود یا به هر ترتیبی، دیگر نباشد.

اردوغانی که بش از ۱۰ سال پیش با «احمد داود اوغلو» (وزیر خارجه وقت) شعار صفر کردن مشکلات با همسایگان را سر داده بود، امروز تقریباً با اغلب قریب به اتفاق همسایگان دچار تنش، تریگی، بحران و قطع روابط است. در جنوب شرق خود با اعتراض‌های بی‌سابقه و حتی اقدامات نظامی کردها روبه‌روست. شهر نصیبین و ویرانی‌های آن که تنه به تنه ویرانی‌ها در سوریه می‌زند گواه این مدعاست.

در سطح بین الملل روسیه دل خوشی از اردوغان ندارد. اتحادیه اروپا به خصوص انگلیس مانع عضویتش در اتحادیه اروپا شدند و مصر از اردوغانی که دولتش را کودتایی می‌خواند، متنفر است. سوریه آن را دشمن درجه اول خود می‌داند. عربستان ضمن منافع مشترک در برخی نقاط منطقه، رقیبی سرسخت است که از خارج کردن آن از میدان استقبال میکند. ایران آن را همسایه‌بی‌ناسازگار بلکه همسایه‌آزاری می‌داند که دارد تحملش می‌کند.

شکاف امنیتی در داخل ترکیه را نیز که سبب وقوع انفجارهای متعدد و ناامنی شده، نباید فراموش کرد. همین انفجارها نقطه قوت دولت اردوغان یعنی اقتصاد این کشور را هدف گرفته و گردشگری آن بشدت متأثر شده است.

سرانجام به همه این موارد کودتا را بیفزایید. این‌ها هیچکدام نمی‌گویند که اردوغان قدرتمندتر شده است، حتی اگر سلطه اردوغان بر مقدرات ترکیه را تحکیم کند؛ این‌ها، نشانه استبداد بیشتر است نه قدرتی که در خدمت دموکراسی ترکیه باشد.

برخی موافقان دولت ترکیه نظرشان این است که خروج سالم دولت ترکیه از کودتای نافرجام، رییس جمهوری این کشور را در موضع قوی‌تری قرار داده است.

ترکیه در پنج دهه گذشته شاهد پنج کودتا بوده است. کودتاهای سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۱ کودتای جمعه‌شب در ادامه همین زنجیره بود؛ کودتایی که برخی آن را واقعی و برخی آن را نمایشی می‌دانند و هر یک، برای نظر خود استدلال‌هایی دارند.

موافقان دولت ترکیه می‌گویند که رجب طیب اردوغان رییس جمهور ترکیه که به تکروری در قدرت متهم است، قدرتمندتر از گذشته از این کودتا خارج شد. موافقان می‌گویند که پشتوانه مردمی اردوغان سبب شد تا او به پشتیبانی هواداران و لطف «شبکه‌های اجتماعی مجازی» شب سخت ۱۵ جولای را با سلامتی صبح کند. بر خلاف آنچه موافقان می‌گویند، اگر دقیقتر بنگریم، خواهیم دید که پایان کودتا، پایان بحران میان ارتش ترکیه و دولت نیست، بلکه شکاف از قبل نمایان تر شد. قطعاً این شکاف موجب تضعیف بیشتر دولت اردوغان است و او پس از این کودتا، قوی‌تر نشده بلکه مستبدتر خواهد شد.

نگاهی به آمار بازداشتی‌ها در ساعات نخست روز شنبه، صبح کودتای نافرجام گواه این مدعاست؛ بازداشت ۲۹۰۰ نظامی، ۲۷۴۵ قاضی و حقوقدان و ۶۷ دانشجوی دانشکده افسری.

البته بازداشت افراد، به خصوص از نظامی‌ها، بعد از کودتایی نافرجام، طبیعی است اما سرعت و رقم بالای آن تردیدبرانگیز است.

شکاف یا بحران اعتماد میان ارتش و دولت در ترکیه باقی خواهد ماند و ادامه خواهد داشت تا اینکه، یا